

عدم تقارن اطلاعات منبع رانت *

● احمد میدری

چکیده: مقاله با ارائه تعریفی از رانت، سعی می‌کند تا یکی از علل کمتر شناخته شده آن را

(عدم تقارن اطلاعات) و پیامدهای آن را مورد بحث و بررسی قرار دهد. برای اثبات نظرات مطرح شده

از الگوی ریاضی نیز استفاده شده و اشاره‌ای نیز به مقالات مشهور در این زمینه گردیده است.

تعریف و اهمیت پدیده رانت: رانت در نوشته‌های علم اقتصاد به معنای درآمد مازاد بر هزینه فرصت‌های از دست رفته و یا اضافه درآمد یک عامل تولید نسبت به درآمد همان عامل تولید در شرایط رقابت کامل است. اخیراً برخی از اقتصاد دانان، رانت را دریافتی حاصل از فعالیتهای غیر مولد تعریف کرده‌اند.^(۱) این تعریف با مفهوم عامیانه رانت که همان سود یا درآمد بادآورده است، نزدیکتر است برای فهم این مقاله مفهوم عامیانه رانت کفایت می‌کند.

دریاب تأثیر و اهمیت پدیده رانت سخنان بسیار ابراز شده است، در اینجا تنها به ذکر این نکته اکتفا می‌کنیم که وجود رانت در هر نظام اقتصادی اولاً به معنای تخصیص غیر بهینه منابع و ثانیاً ناعادلانه بودن نظام اقتصادی است. به نظر می‌رسد ذکر همین دو نکته در باب اهمیت رانت، برای جلب نظر تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران اقتصادی کافی باشد.^(۲)

علل رانت: هر عاملی که رقابت را به انحصار تبدیل کند، باعث پیدایش رانت می‌شود. در حالت رقابت کامل هیچ‌گونه رانتی وجود ندارد و با فاصله گرفتن از رقابت کامل، رانت افزایش

می‌یابد. چند عامل مشخص شرط رقابت کامل است، از جمله: الف) بی‌نهایت بودن تولید کنندگان و مصرف کنندگان (ذره‌ای بودن بازار)؛ ب) آزادی ورود به بازار و خروج از آن؛ ج)، شفافیت اطلاعات. مختل شدن هریک از شروط فوق موجب نقصان رقابت و پیدایش رانت خواهد بود.

اقتصاددانان تاکنون به تحلیل دو عامل نخست و تأثیر آنها بر رانت جویی پرداخته‌اند. بر اساس این دو عامل می‌توان، بحث علل رانت را در اندیشه اقتصاددانان به دو دوره مستقل تفکیک نمود. دوره نخست، با ریکاردو آغاز می‌شود و تقریباً با آلفرد مارشال پایان می‌پذیرد. ویژگی این دوران آن است که علت عمده رانت، کمیابی ذاتی عوامل تولید و یا کشش ناپذیری عوامل تولید ذکر می‌گردد. کشش ناپذیری عوامل تولید شرط نخست رقابت کامل را مختل کرده، عوامل تولید موجود را صاحب رانت می‌کند.^(۳) دوره دوم از دهه ۱۹۶۰ آغاز می‌شود و کسانی همچون کروگر، تالوگ، بوکانان و تولسیون پیشتاز این دوره هستند. در این دوره علت اساسی رانت مداخله دولت قلمداد می‌شود. به‌طور کلی مداخله دولت موانع مصنوعی بر سر ورود به بازار ایجاد کرده، با آسیب رساندن به ساز و کار بازار، باعث پیدایش رانت برای برخی از افراد می‌شود.^(۴)

اما یکی از شروط رقابت کامل، شفافیت اطلاعات است و فقدان آن باعث پیدایش رانت می‌گردد. تاکنون تحلیلی نظام یافته از این پدیده و تأثیر آن بر پیدایش رانت صورت نگرفته است. تنها برخی از اقتصاددانان مانند کنت آرو^(۵) و داگلاس نورث^(۶) اشاراتی در این مورد دارند. **تعریف عدم تقارن اطلاعات:** شفافیت اطلاعات را با مقداری تورش می‌توان تقارن اطلاعات تعریف کرد و تقارن اطلاعات بدین معناست که طرفین مبادله کننده به یک اندازه از کیفیت کالای مورد مبادله و شرایط مبادله در بازار اطلاع داشته باشند. عدم تقارن اطلاعات به حالتی اطلاق می‌شود که یکی از طرفین مبادله کننده کمتر از طرف دیگر در مورد کالا یا وضعیت بازار اطلاعات داشته باشد، به عبارت دیگر توزیع اطلاعات بین دو مبادله کننده ناهمسان باشد. **طرح کلی بحث:** عدم تقارن اطلاعات دو حیطة گسترده و تقریباً مستقل دارد:

الف) مبادلات اقتصادی ب) تصمیم‌گیریهای اجرایی.

براساس این دو حیطة، این مقاله به دو قسمت تقسیم می‌شود. در قسمت نخست، ابتدا نگاهی خواهیم داشت به شمول پدیده عدم تقارن در مبادلات اقتصادی و در ضمن بیان مصادیقی از عدم تقارن اطلاعات. براحتمی خواهیم دید که چگونه عدم تقارن اطلاعات به رانت جویی منجر خواهد شد. مسأله مهمی که در این قسمت به آن خواهیم پرداخت چگونگی کنترل

این نوع رانت جوایی خواهد بود. علاوه بر مبادلات اقتصادی، عدم تقارن اطلاعات در تصمیم‌گیریهای اجرایی هم مشاهده می‌شود. به دنبال هر تصمیم‌گیری اجرایی، اطلاعات تازه‌ای خلق می‌شود و بالطبع تصمیم‌گیران سیاسی سریعتر از افراد دیگر به این اطلاعات دسترسی دارند و در نتیجه در تصمیمات اجرایی از یک نوع عدم تقارن اطلاعات نسبت به سایرین بهره می‌برند. در قسمت دوم به این مسأله می‌پردازیم که فرآیند تصمیم‌گیری چگونه برای کارگزاران سیاسی ایجاد رانت می‌کند و در چه صورت این کارگزاران کمتر می‌توانند از آن رانت در جهت نامطلوب استفاده کنند. در واقع در تمامی جوامع کارگزاران سیاسی صاحبان رانت محسوب می‌شوند اما در همه جوامع آنان نمی‌توانند به یک اندازه از این رانت در جهت نفع شخصی و علیه عامه مردم استفاده کنند. تحلیل این پدیده و عوامل مؤثر بر آن عمده قسمت دوم را تشکیل می‌دهد.

شمول عدم تقارن اطلاعات در مبادلات اقتصادی: همان طور که داگلاس نورث می‌گوید هر قدر از جامعه سنتی به طرف جامعه مدرن حرکت می‌کنیم میزان عدم تقارن اطلاعات افزایش می‌یابد. زیرا هر قدر یک جامعه پیشرفته‌تر باشد، تقسیم کار و تخصص نیز بیشتر خواهد بود. با افزایش تقسیم کار هر فرد تنها در مورد معدودی از فعالیتها اطلاع دارد. در یک جامعه سنتی فرد در خانه‌سازی، نعل‌کوبی، تولیدات کشاورزی و صنعتی از اطلاعات کافی برخوردار است. در چنین جامعه‌ای، معدودی از افراد از قبیل حکیمان از عدم تقارن اطلاعات بهره‌مند هستند. اما در جامعه مدرن اکثر مشاغل تخصصی بوده، افراد از کم و کیف تولیدات مشاغل اطلاعات چندانی ندارند. حتی باهوش‌ترین افراد هم در دنیای مدرن، در مورد کیفیت کالاهای مورد نیاز خود، اطلاعات محدودی دارند.

نمونه‌هایی از عدم تقارن اطلاعات: مثال معمول عدم تقارن اطلاعات در نوشته‌های علم اقتصاد - که کنت آرو اولین بار آن را مطرح نمود - رابطه بیمار با دندانپزشک است. بیماری را تصور کنید که از درد دندان شدیداً بی‌تاب است و به دندانپزشک مراجعه می‌کند. بیمار از علت درد و نحوه درمان تقریباً بی‌اطلاع است. در مقابل، دندانپزشک تقریباً از علت و نحوه درمان دانش کامل دارد، او می‌تواند بدخواه علل متفاوتی برای بیمار بیان کند و درمانی که تضمین حداکثر سود برای او باشد، تجویز نماید. فرض کنید علت درد بسیار ساده باشد و دندانپزشک بتواند با تجویز چند آنتی‌بیوتیک درد را درمان کند. اگر تنها به سود خود بیندیشد، بیماریهای حادث‌تری را مطرح خواهد کرد، مثلاً گرفتن عکس و عصب‌کشی را تجویز می‌کند و جالب‌تر آنکه او می‌تواند پس از بازی کردن با دندان بیمار در نهایت همان آنتی‌بیوتیک را به بیمار

بدهد و بیمار هیچگونه اطلاعی از بازیهایی که بر سر او آمده است نداشته باشد و با رضایت خاطر چند برابر هزینه واقعی درمان را پرداخت کند. در این حالت می‌بینیم که دندانپزشک دارای اطلاعاتی است که بیمار فاقد آن است و میان این دو به اصطلاح عدم تقارن اطلاعات وجود دارد. دندانپزشک می‌تواند از این عدم تقارن استفاده نموده و درآمدی بادآورده را از آن خود نماید.

عدم تقارن اطلاعات تنها به رابطه بیمار و دندانپزشک که حرفه‌ای پیچیده و تخصصی است، منحصر نمی‌شود. برای درک بهتر تفاوت تقارن اطلاعات و عدم آن و اینکه چگونه عدم تقارن اطلاعات به رانت جویی منجر می‌شود به مثال راننده تاکسی توجه کنید. یک تهرانی را در نظر بگیرید که می‌خواهد از تاکسی درست برای رفتن از نقطه‌ای به نقطه دیگر (مثلاً از میدان ولی عصر به میدان ونک) استفاده کند. چون احتمالاً یک تهرانی به اندازه راننده از مسیر راه اطلاع دارد و اطلاعات به صورت متقارن میان مسافر و راننده توزیع شده است، راننده تاکسی تنها می‌تواند نرخ را برابر با هزینه فرصت از دست رفته مطالبه نماید. اما بر عکس حالتی را تصور کنید که مسافری شهرستانی بخواهد برای همان مسیر از تاکسی درست استفاده کند. مسافر از مسیر راه و نرخ تاکسی بی‌اطلاع است. اگر راننده به بی‌دانشی مسافر پی ببرد، می‌تواند درآمد خود را افزایش دهد و نرخ بیش از هزینه متوسط یا همان نرخ معمول مطالبه نماید. عدم تقارن اطلاعات امکان سوء استفاده را برای راننده تاکسی به وجود می‌آورد. او می‌تواند یک ساعت مسافر را بگرداند و در نهایت چند برابر دستمزد واقعی را مطالبه کند. این دستمزد اضافی همان رانت است.

فهرست گسترده‌ای از مشاغلی که در آنها عدم تقارن اطلاعات وجود دارد، می‌توان تهیه نمود: پزشکان، مهندسين، تعمیرکاران، محققان، معلمان و فروشندگان...^(۷) همگی دارای اطلاعاتی هستند که مراجعین آنها کمتر از آن مطلع می‌باشند. در واقع کمتر کار و کسبی را می‌توان یافت که در آن عدم تقارن اطلاعات وجود نداشته باشد.

اما نباید حیطة این پدیده را به روابط بین دو مبادله کننده منحصر نمود. در درون کلیه بنگاههای تولیدی و خدماتی یک نوع عدم تقارن اطلاعات میان مدیران و مستخدمین (به معنای عام آن) وجود دارد. مدیران ابزارهای مختلفی برای ارزیابی و سنجش نیروی کار دارند، اما این ابزارها هیچگاه نمی‌توانند به طور کامل کم و کیف نیروی کار را نشان دهند. در واقع مدیران در خرید و ارزیابی نیروی کار از اطلاعات کامل برخوردار نمی‌باشند و نیروی کار صاحب اطلاعاتی است که می‌تواند از آن سوء استفاده کنند. حتی اقتصاددانان نیز امروزه فرض اطلاعات

کامل را در این مورد رها کرده‌اند و سعی دارند که روابط درون بنگاه را براساس اطلاعات ناقص توضیح دهند.^(۸) حجم گسترده مطالب مربوط به انگیزش در حوزه مدیریت، مؤید وجود عدم تقارن اطلاعات و شیوه برخورد با این پدیده در درون بنگاه در علم مدیریت است. به طور خلاصه همان طور که در مثالها دیدیم، در تمام مواردی که عدم تقارن اطلاعات وجود دارد یکی از طرفین مبادله می‌تواند «قیمتی بیش از هزینه متوسط را مطالبه کرده و رانتی را تصاحب کند»، طرف دیگر مبادله نیز به دلیل عدم آگاهی و دانش، حاضر به پرداخت آن قیمت خواهد بود. به نظر می‌رسد براحتی بتوان این فرضیه را تصدیق نمود که عدم تقارن اطلاعات می‌تواند به رانت جویی منجر شود.

در چه صورت عدم تقارن اطلاعات به رانت جویی منجر نمی‌شود: همان طور که می‌بینید دایره عدم تقارن اطلاعات بسیار گسترده است و امکان رانت جویی برای تمامی افراد به طور بالقوه وجود دارد. از این رو این سؤال مطرح می‌شود که آیا در تمامی جوامع همه افراد در حال رانت جویی هستند و یا اینکه با توجه به امکان رانت جویی توسط تمامی اقشار، در چه صورت افراد از این امکان استفاده نکرده و به رانت جویی نخواهند پرداخت. چه توضیحی برای مواردی می‌توان ارائه داد که علی‌رغم وجود عدم تقارن اطلاعات افراد به رانت جویی نمی‌پردازند؟ و بالاخره چگونه می‌توان این نوع رانت جویی را کنترل نمود؟

آیا تزریق اطلاعات می‌تواند راه حل مناسب باشد؟ شاید به نظر برسد که می‌توان از طریق افزایش اطلاعات به جامعه از رانت جویی ممانعت به عمل آورد. مسلماً هر قدر اطلاعات افراد بیشتر باشد، امکان رانت جویی کاهش خواهد یافت. اما باید به چند نکته توجه نمود: اولاً از ویژگیهای دنیای مدرن تقسیم کار و تخصص روزافزون است و این پدیده عین افزایش عدم تقارن اطلاعات است. هر چند عصر کنونی، عصر انفجار اطلاعات نامیده شده اما این افزایش شدید اطلاعات بیش از آنکه در جهت افزایش اطلاع افراد از تمامی مشاغل باشد بیشتر در خدمت افزایش تخصص و تقسیم کار است. شاید به کمک اطلاعات بتوان مصرف کننده را از قیمت‌ها آگاه نمود، اما تنوع تولیدات و تخصصها، عدم تقارن اطلاعات را تشدید می‌کند. ثانیاً افزایش اطلاعات هر چند می‌تواند عدم تقارن اطلاعات را کاهش دهد اما کسب اطلاعات و یا تزریق آن هزینه‌های مبادله را افزایش می‌دهد بنحوی که گاهی اوقات هزینه کسب اطلاعات به میزانی زیاد است که مبادله کننده از کسب اطلاعات منصرف می‌شود. مثلاً همان بیمار فرضی را در نظر بگیرید، اگر بیمار بخواهد صحت تشخیص دندانپزشک را آزمون کند باید به چند دکتر دیگر مراجعه نماید، هر مراجعه نیز متضمن هزینه است و در ضمن هیچ ضمانتی وجود ندارد

که سایر دکتورها نیز رفتاری رانت جویانه نداشته باشند، و یا آن مسافر شهرستانی می‌تواند از سایر راننده‌ها سؤال کند هرچند که این اعمال امکان رانت جویی را کاهش می‌دهد اما متضمن صرف وقت است که احتمال دارد مسافر، تمایلی به آن نداشته باشد. به علاوه احتمال تکرار رفتار رانت جویی از جانب سایر رانندگان نیز کماکان وجود دارد.

راه حل نورث و آرو: این دو اعتقاد دارند که اخلاق و ایدئولوژی شرط لازم برای مقابله و کنترل این نوع رانت جویی است. اگر تنها انگیزه حاکم بر انسانها نفع شخص باشد، در این صورت قاعدتاً افراد باید از عدم تقارن اطلاعات استفاده کرده، به رانت جویی بپردازند زیرا نفع شخصی حکم می‌کند که از جهل طرف مقابل استفاده شود و فرد سود خود را حداکثر نماید. بدین ترتیب اگر افراد از عدم تقارن اطلاعات استفاده نمی‌کنند و از سود خود می‌گذرند حتماً باید نیروهایی وجود داشته باشد که افراد را وادار کند از نفع شخصی تبعیت نکرده و سود دیگری را قربانی سود کوتاه مدت خود نکنند. آرو تنها به ذکر این نکته می‌پردازد که اخلاقیات شرط ضروری برای عدم سوء استفاده است.^(۹) اما تحلیل نورث در این مورد مفصلتر بوده و تأمل بیشتری را می‌طلبد.^(۱۰)

به طور خلاصه نورث اعتقاد دارد که در فرآیند تحول جامعه سنتی به مدرن دو پدیده مهم اتفاق می‌افتد: نخست اینکه هر قدر از جامعه سنتی فاصله می‌گیریم، تقسیم کار و عدم تقارن اطلاعات تشدید می‌شود، دوم آنکه، روابط شخصی و عاطفی که مانعی بر سر راه سوء استفاده است بتدریج سست شده و از بین می‌رود. در جامعه سنتی عموماً هر دو طرف مبادله کننده همدیگر را می‌شناسند و تحت تأثیر روابط خویشاوندی قرار دارند. وجود این روابط و اندک بودن تقسیم کار و تخصص امکان رانت جویی و سوء استفاده مالی را کاهش می‌دهد. اما در جامعه در حال گذر و مدرن هر دو عنصر فوق (روابط خویشاوندی و تقسیم ناپذیری) تقریباً از بین می‌روند و امکان رانت جویی شدیداً افزایش می‌یابد. نورث اعتقاد دارد اگر در جوامع در حال گذر و مدرن ایدئولوژی وجود داشته باشد که نظام موجود را توجیه نماید و علایق جمعی را تقویت کند، در این صورت فساد مالی و رانت جویی شیوع پیدا نخواهد کرد و در غیر این صورت فساد مالی و رانت جویی در کلیه سطوح گسترش می‌یابد. او می‌گوید اگر افراد یک جامعه، نظام موجود و دستمزدهای خود را عادلانه تلقی نمایند، حاضر خواهند بود بر خلاف نفع شخصی از عدم تقارن اطلاعات استفاده نکنند. یکی از نکات بدیع و آموزنده اندیشه داگلاس نورث آن است که موفقیت در فرآیند توسعه را مستلزم وجود ایدئولوژی می‌داند که بتواند تحولات و مسایل جامعه در حال گذر را توجیه نماید. او بر خلاف رویه مرسوم اقتصاد دانان نه

تنها اعتقاد ندارد که بتوان صرفاً با تکیه بر انگیزه نفع طلبی شخصی مردم، توسعه جوامع غربی را توضیح داد، بلکه معتقد است تبیین صحیح فرآیند توسعه غرب مستلزم تحلیل باورها و ایدئولوژی است که این جوامع در فرآیند توسعه بوجود آوردند و به کمک آن توانستند انسانها را در جهتی سوق دهند که معضلات تحول دوران گذر را تحمل نمایند. از نظر نورث تنها جوامعی می‌توانند در فرآیند توسعه توفیق یابند که بتوانند این چنین ایدئولوژیی ایجاد نمایند.

ادعای نورث چندان دور از ذهن نیست. پدیده عدم تقارن اطلاعات در تمام سطوح جامعه وجود دارد و اگر افراد یک جامعه از این پدیده سوء استفاده کنند، بازدهی جامعه در تمام سطوح کاهش می‌یابد. عدم تقارن اطلاعات، امکان رانت جویی را برای کارگران، کارمندان نظام اداری و اجرایی، تولیدکنندگان، فروشندگان و معلمان ... و فراهم می‌سازد و اگر تمامی این اقشار به رانت جویی بپردازند، تخصیص غیر بهینه منابع و بی‌عدالتی در تمام جامعه حاکم خواهد شد. مسلماً چنین جامعه‌ای نمی‌تواند به سمت توسعه حرکت کند. یکی از تفاوت‌های اساسی رانت جویی از طریق عدم تقارن اطلاعات با دو نوع دیگر رانت جویی، گسترده و فراگیر بودن آن است. رانت جویی از طریق کشش ناپذیری عوامل تولید و یا مداخله دولت، امکان رانت جویی را برای معدودی از اقشار فراهم می‌کند اما در این نوع رانت جویی تمامی افراد در این فرآیند نامطلوب وارد می‌شوند. پیامدهای اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی این نوع رانت جویی به مراتب حادتر از دو نوع دیگر است.

از تحلیل نورث نکات فراوانی می‌توان آموخت: اولاً برخلاف اقتصاد دانان ارتدکس که صرفاً بر نفع شخصی تأکید می‌کنند، نورث مسأله باورهای فرهنگی و ایدئولوژی را مطرح می‌کند. همچنانکه که نورث می‌گوید این مبحث تحولات اساسی در اندیشه اقتصادی بدنبال دارد. ثانیاً به کمک این تحلیل می‌توان علت بسیاری از نابهنجاریهای رفتاری در عرصه اقتصاد کشورهای جهان سوم از جمله ایران را توضیح داد. امروز شاهد هستیم که رانت جویی عنصر حاکم بر تمام رفتارهای اقتصادی است. از معلمان تا بازاریان به هر ترتیب سعی دارند از عدم تقارن اطلاعات، سوء استفاده نمایند. تحلیل نورث توضیحی برای حاکمیت این رفتار در سطح جامعه ارائه می‌دهد. ثالثاً با توجه به مباحث فوق می‌توان نکته مهمی در مورد سیاستگذاری اقتصادی بدست آورد. در مورد هر سیاست اقتصادی باید به این نکته توجه نمود که سیاست اقتصادی باید با ایدئولوژی و باورهای یک جامعه انطباق داشته باشد. در صورتی که میان این دو ناسازگاری باشد و مردم سیاستهای موجود را ناعادلانه بدانند و یا به هر ترتیب آن سیاست توجیه فرهنگی لازم را بدست نیاورده باشد، رانت جویی در جامعه شدیداً افزایش می‌یابد و

پیامدهای نامطلوب آن بر جامعه حاکم می‌شود.

عدم تقارن اطلاعات در تصمیم‌گیری اجرایی: گفتیم که عدم تقارن اطلاعات علاوه بر آنکه در اکثر مبادلات اقتصادی وجود دارد، در تصمیم‌گیریهای اجرایی نیز مشاهده می‌شود. هر تصمیم اجرایی پیامدهای اقتصادی بدنبال دارد که دسترسی و اطلاع سریعتر از آن تصمیمات دارای ارزش اقتصادی خواهد بود. مثلاً فرض کنید که دولت تصمیم بگیرد ورود کالایی را ممنوع کند کسانی که سریعتر از این تصمیم مطلع شوند می‌توانند آن کالا را خریداری کرده، پس از انبار نمودن، به قیمت بالاتر بفروشند و یا فرض نمایید که دولت تصمیم به احداث بزرگراه تازه‌ای میان دو شهر داشته باشد در این حال، کسانی که زودتر از این تصمیم مطلع شوند می‌توانند زمینهای اطراف آن را خریداری کرده، سپس به چند برابر قیمت بفروشند. به عبارت دیگر کارگزاران سیاسی و اجرایی به دلیل دسترسی سریعتر به تصمیمات اجرایی از اطلاعاتی برخوردارند که عموم مردم و کارگزاران اقتصادی فاقد آن می‌باشند و همین امر به منزله رانتی برای کارگزاران سیاسی است.

رانت‌های مختلف کارگزاران سیاسی: اطلاعات تنها منبع رانت کارگزاران سیاسی نیست. دولتمردان صاحب رانتهای متفاوتی هستند. میزان این رانت از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. اصولاً هر قدر مداخله دولت در فعالیتهای اقتصادی بیشتر باشد و یا قوانین اجرایی از بی‌ثباتی و روزمرگی بیشتری برخوردار باشند، رانت کارگزاران سیاسی بیشتر خواهد بود. اما نباید پنداشت که «دولت حداقل» یا عدم مداخله دولت باعث می‌شود که کلیه رانتهای کارگزاران سیاسی حذف شود.

در هر نظام سیاسی، اطلاعات و وضع قانون، رانت کارگزاران سیاسی است. سرنوشت یک جامعه به چگونگی استفاده از این رانتهای بستگی دارد. اگر کارگزاران سیاسی از رانتهای موجود نتوانند سوء استفاده کنند و یا به عبارت دیگر اگر در وضع قانون، برخورداری از اطلاعات و مداخله در فعالیتهای اقتصادی مجبور به رعایت مصالح عمومی جامعه شوند و کمتر به رانت جویی پردازند، توسعه اقتصادی آن جامعه آسانتر خواهد بود. هر قدر قدرت دولت در ایجاد رانت و توزیع آن بیشتر باشد توسعه اقتصادی آن جامعه مشکل‌تر و تحقق عدالت اقتصادی بعیدتر خواهد بود. توسعه اقتصادی مستلزم گسترش فعالیتهای مولد است و اگر دولتمردان و حاکمان سیاسی بتوانند برای برخی از افراد رانت ایجاد کنند، افراد به جای پرداختن به فعالیتهای مولد اقتصادی به تصاحب رانت خواهند پرداخت. بنابراین، یکی از مباحث اساسی توسعه که اخیراً اقتصاددانان به آن توجه کرده‌اند، قدرت حاکمان سیاسی در تولید و توزیع رانت است.

علل مؤثر بر رانت جویی کارگزاران سیاسی: این مبحث، برخلاف بخش نخست تنها به مسأله عدم تقارن اطلاعات منحصر نمی‌شود. پس به این بحث کلی می‌پردازیم که چه عواملی بر رانت جویی یا تولید رانت توسط کارگزاران سیاسی (اعم از رانت ناشی از اطلاعات، وضع قانون و مداخله مستقیم) مؤثر است؟

در مورد تأثیر ساختار سیاسی بر میزان رانت جویی مسایل مختلفی مطرح است و اقتصاددانان از زوایای مختلفی به تحلیل این مسأله پرداخته‌اند. مثلاً داگلاس نورث به تأثیر شکل و ویژگیهای دولت بر رانت جویی^(۱۱) و تالوگ و بوکانان به ساختار و قواعد تصمیم‌گیری اجرایی^(۱۲) و اولسون و بیکر^(۱۳) و بسیاری از اقتصاددانان دیگر به تأثیر گروههای فشار بر رفتار دولت و رانت جویی پرداخته‌اند. هر چند از این مطالعات نکات بسیاری می‌توان آموخت اما مباحث این اندیشمندان عمدتاً بر اساس ساختار سیاسی کشورهای غربی صورت گرفته است و به همین دلیل انطباق نتایج و روش تحلیل این مطالعات بر کشورهای جهان سوم با محدودیتهایی روبه رو است. در هر صورت در این مقاله سعی می‌شود که با توجه به ویژگیهای سیاسی جهان سوم، تأثیر نظام سیاسی بر رانت جویی تحلیل شود.^(۱۴) برای بررسی عوامل مؤثر بر قدرت ایجاد رانت توسط دولت باید فروض خود را نسبت به شکل حکومت مشخص نماییم. در اینجا فرض می‌کنیم که شکل حکومت پارلمانی است. این شکل از حکومت تقریباً در اکثر کشورهای جهان سوم نیز پذیرفته شده است (البته تحلیل این مسأله هنگامی که شکل حکومت غیر پارلمانی باشد چندان متفاوت نخواهد بود) همچنین فرض می‌کنیم که دولت‌مردان بدنیاال‌حداکثر کردن مطلوبیت خود بوده و در تابع مطلوبیت آنها دو کالا وجود دارد:

۱) بدست آوردن حداکثر آرا (۲) افزایش درآمد که از طریق ابقا در مناصب سیاسی و کسب درآمد مشروع حاصل از آن و همچنین کسب درآمدهای نامشروع از طریق ایجاد رانت، بدست می‌آید. ایجاد رانت، از یک طرف حمایت یک گروه و درآمد کارگزاران سیاسی را افزایش و از طرف دیگر حمایت گروههای دیگر را کاهش می‌دهد. بنابراین ایجاد رانت متضمن درآمد و هزینه خواهد بود و حاکمان سیاسی با توجه به هزینه و منافع ایجاد رانت، آن چنان عمل می‌کنند که منافع خالص آنها حداکثر شود و به میزانی ایجاد رانت می‌کنند که منفعت نهایی از ایجاد رانت با هزینه نهایی آن برابر باشد. با استفاده از الگوهای اقتصاد خرد می‌توان تعبیر دقیقتری از رفتار کارگزاران سیاسی ارائه داد. اگر میزان مطلوبیت کارگزاران سیاسی را با $E(U)$ نشان دهیم آن گاه می‌توان تابع مطلوبیت کارگزاران را به صورت زیر نوشت:

$$E(U) = B(y + R) + (1 - B) v$$

B در معادله بالا احتمال اینکه کارگزار سیاسی از حمایت مردم برخوردار بوده و در منصب سیاسی باقی بماند و y نشان دهنده درآمد قانونی از منصب سیاسی و R درآمد غیر قانونی کارگزار از طریق ایجاد رانت، v درآمد کارگزار در مشاغل غیر دولتی و (1-B) احتمال از دست دادن منصب سیاسی است. کارگزار سیاسی دو وضعیت متفاوت را در نظر می‌گیرد (ابقا و عزل از منصب سیاسی) و سعی خواهد داشت آن چنان عمل کند که مطلوبیت کل او با توجه به هر دو وضعیت حداکثر شود.

B یعنی احتمال حمایت از کارگزار سیاسی، تابع معکوس و مقرر از رانت (S) است که کارگزار ایجاد می‌کند و R تابع مستقیم خطی از میزان رانت (S) خواهد بود، می‌توانیم توابع E(U), (B) را به صورت زیر نشان دهیم.

$$B = \hat{B}(S)$$

$$\frac{\partial \hat{B}(S)}{\partial S} < 0, \quad \frac{\partial^2 \hat{B}(S)}{\partial S^2} < 0 \quad \text{که}$$

$$R = \hat{R}(S)$$

$$\frac{\partial \hat{R}(S)}{\partial S} > 0 \quad \text{که}$$

$$E(U) = \hat{B}(S) [y + \hat{R}(S)] + [1 - \hat{B}(S)] v$$

کارگزار سیاسی برای تصمیم‌گیری پیرامون میزان تولید رانت (S) تابع E(U) را حداکثر می‌کند. می‌توان میزان بهینه رانت را از شرایط اولیه و ثانویه حداکثر سازی تابع فوق به دست آورد:

$$\begin{aligned} \frac{\partial E(U)}{\partial (S)} &= \hat{B}'(s)(y + \hat{R}(s)) + (-\hat{B}'(S)v) + \hat{B}(S) \hat{R}'(S) \\ &= \hat{B}'(S)(y - v + \hat{R}(S)) + \hat{B}(S) \hat{R}'(S) = 0 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \frac{\partial^2 E(U)}{\partial S^2} &= \hat{B}''(S)(y - v + \hat{R}(S)) + \hat{B}'(S) \hat{R}'(S) + \hat{B}'(S) \hat{R}'(S) + \hat{B}(S) \hat{R}''(S) < 0 \\ &= \hat{B}''(S) (y - v + \hat{R}(S)) + \hat{B}(S) \hat{R}''(S) < 0 \end{aligned}$$

کارگزار سیاسی با توجه به شرایط فوق مطلوبیت خود را حداکثر می‌کند، دو جزء اول رابطه، بیانگر هزینه نهایی افزایش تولید رانت (S) است یعنی اینکه اگر یک واحد رانت افزایش یابد کارگزار سیاسی به چه میزان درآمد را از دست می‌دهد، چرا که با افزایش رانت احتمال حمایت B(S) کاهش خواهد یافت و درآمدی به میزان (y + R(S)) را از دست می‌دهد و از طرف دیگر احتمال بدست آوردن درآمد از مشاغل غیر سیاسی (v) افزایش خواهد یافت. مجموع این عوامل هزینه نهایی تولید رانت را نشان می‌دهند. اما جزء بعدی رابطه

$\hat{B}(S) \hat{R}'(S)$ بیانگر درآمد نهایی تولید رانت است. زیرا $\hat{B}(S)$ یعنی احتمال باقی ماندن در منصب سیاسی و $\hat{R}'(S)$ یعنی افزایش درآمد ناشی از مشروع از ایجاد رانت. بنابراین ضرب این دو، نشان دهنده افزایش درآمد کارگزار سیاسی در اثر ایجاد رانت با فرض باقی ماندن در منصب سیاسی یا درآمد نهایی از ایجاد رانت است. کارگزار به مقداری رانت تولید خواهد کرد که درآمد نهایی حاصل از رانت برابر هزینه نهایی اش گردد با استفاده از این رابطه می توان میزان بهینه رانت از نظر کارگزار سیاسی S^* را بدست آورد.

سؤال ما در اینجا این است که در چه صورت S^* کاهش خواهد یافت. اگر بتوانیم شرایطی را که موجب کاهش یا افزایش S^* (تولید بهینه رانت) می شود، پیدا کنیم آن گاه می توان به پاسخی مناسب برای مسأله عوامل مؤثر بر تولید رانت در اجتماع دست یافت. یکی از عوامل تأثیر گذار بر میزان تولید رانت، تغییر در حمایت از کارگزاران در هنگام افزایش تولید رانت یعنی $\hat{B}(S)$ است. اصولاً هر قدر مقدار این جزء بیشتر باشد تولید رانت کاهش خواهد یافت. با معرفی مفهوم کشش تابع \hat{B} فهم این معنا آسانتر خواهد بود. کشش تابع B را می توان به صورت ذیل تعریف کرد:

$$ES_{S,B} = \frac{\partial (\hat{B}(S))}{\partial (S)} \cdot \frac{S}{\hat{B}(S)}$$

در این حال $ES_{S,B}$ بیانگر حساسیت و درجه شدت پاسخ مردم به افزایش تولید رانت است و مقدار آن نقش مهمی در تعیین مقدار تولید رانت در یک جامعه بازی می کند. اگر $y - v > 0$ باشد و تابع $\hat{B}(S)$ با کشش باشد آن گاه مقدار تولید رانت در جامعه کم خواهد بود. در واقع اگر $y - v > 0$ باشد کارگزار تنها در صورتی ایجاد رانت خواهد کرد که تابع B بدون کشش باشد. درک شهودی این مطلب بسیار آسان است. اگر با افزایش رانت خطر از دست دادن مناصب سیاسی بالا باشد و از طرف دیگر درآمد شغل سیاسی بیش از درآمد مشاغل غیر سیاسی باشد، کارگزار برای حفظ سود خود رانت کمتری ایجاد خواهد کرد و به این وسیله شغل خود را به خطر نخواهد انداخت.

بجز کشش \hat{B} ، تفاضل $y - v$ نیز در میزان رانت جویی کارگزار سیاسی مؤثر است هر قدر $y - v$ بیشتر باشد تمایل این افراد برای

رانت جویی کمتر خواهد بود. عنصر دیگری که بر میزان S مؤثر است مقدار درآمدی است که سیاست گذاران از تولید رانت بدست می آورند. اصولاً هر قدر درآمدی که کارگزاران سیاسی از این طریق به دست می آورند، یعنی (R) بیشتر باشد، میزان رانت تولید شده نیز بیشتر خواهد بود.

بنابراین به طور کلی برای شناخت میزان تولید رانتی که کارگزاران سیاسی خواهان تولید آن می باشند باید به تحلیل دو مسأله پرداخت: نخست هزینه نهایی و کشش تابع $\hat{B}(S)$ و چگونگی واکنش گروهی که از ایجاد رانت متضرر می شوند و دوم منافی که کارگزاران سیاسی از ایجاد رانت بدست می آورند. هر عاملی که باعث شود تابع $\hat{B}(S)$ با کشش تر شود، منجر به افزایش واکنش گروه متضرر، که معمولاً عموم مردم می باشند - می گردد و میزان تولید رانت را کاهش خواهد داد. و از طرف دیگر هر عاملی که باعث افزایش منافع کارگزاران سیاسی از تولید رانت گردد، تولید رانت را در جامعه افزایش خواهد داد. اگر واکنش گروهی که از ایجاد رانت متضرر می شوند، شدید باشد و منافی که کارگزاران سیاسی از تولید رانت بدست می آورند اندک باشد، کارگزار سیاسی بالاجبار رانت کمتری در جامعه ایجاد خواهد کرد. بنابراین در اینجا لازم است به بررسی عواملی که بر درآمد و هزینه نهایی تولید رانت مؤثرند پردازیم.

عوامل مؤثر بر درآمد نهایی کارگزار سیاسی: در این قسمت به بحث پیرامون عوامل مؤثر بر درآمد حاصل از ایجاد رانت برای کارگزار سیاسی می پردازیم. کارگزار سیاسی با تولید یک میزان معین رانت (S)، مقدار درآمدی برابر R رابه دست می آورد. این مقدار، مبلغی است که از طرف منتفع شوندگان یا خریداران رانت بعد از تولید رانت به کارگزار سیاسی پرداخت می شود. اگر سود خریداران رانت را با π_i نشان دهیم آنها حاضر به پرداخت مبلغی هستند که سود آنها را حداکثر برساند، بنابراین منتفع شوندگان تابع سود (π_i) خود را حداکثر می کنند. این تابع را می توان به صورت زیر نشان داد:

$$\pi_i = P_i (S - X_i) - (1 - P_i) X_i$$

π_i = سود رانت گیر i ام از ایجاد رانت

P_i = احتمال اینکه فرد i ام از تولید رانت منتفع شود

S = میزان رانت تولید شده

X_i = مبلغی که فرد i ام برای به دست آوردن رانت خرج می کند

احتمال اینکه علی رغم صرف هزینه برای تصاحب رانت، به فرد i ام رانتی تعلق نگیرد (برابر

$(1 - P_i)$ اما احتمال موفقیت (P_i) فرد i ام بستگی به میزان نسبی هزینه‌ای خواهد داشت که برای بدست آوردن رانت صرف می‌کنند. بنابراین می‌توان P_i را به صورت ذیل نوشته شود:

$$P_i = \frac{X_i}{[(X-1)\bar{X} + X_i]}$$

در این حال، n تعداد کسانی که برای تصاحب رانت رقابت می‌کنند و \bar{X} متوسط هزینه‌ای خواهد بود که افراد برای به دست آوردن را تصرف می‌کنند با جایگزینی (۱۵) در رابطه (۱۴) π_i به دست می‌آید:

$$\pi_i = \frac{X_i}{[(n-1)\bar{X} + X_i]} (s - X_i) - \left(1 - \frac{X_i}{[(n-1)\bar{X} + X_i]}\right) X_i \quad (16)$$

$$\pi_i = \frac{S X_i}{(n-1)\bar{X} + X_i} - X_i \quad (17)$$

هر فرد میزان X_i را به گونه‌ای تعیین می‌کند که سود او حداکثر شود:

$$\frac{\partial \pi_i}{\partial X_i} = \frac{S(n-1)\bar{X}}{[(n-1)\bar{X} + X_i]^2} - 1 = 0 \quad (18)$$

که اگر فرض کنیم که X_i برابر \bar{X} است آن‌گاه:

$$X_i = \frac{S(n-1)}{n^2} \quad (19)$$

اما درآمدی که در مجموع به دولت حاکم تعلق می‌گیرد برابر تعداد رانت جویان ضرب در هزینه صرف شده بوسیله هر فرد برای تصاحب رانت است. بنابراین:

$$R = nX = \frac{S(n-1)}{n} = S - \frac{S}{n} \quad (20)$$

نکته قابل توجه آنکه وقتی n به سمت بی‌نهایت میل می‌کند، R برابر S خواهد بود، یعنی درآمد کارگزاران سیاسی از رانت برابر میزان رانت تولید شده خواهد بود. به عبارت دیگر در این حالت با افزایش تعداد کسانی که حاضر به پرداخت رانت به کارگزاران سیاسی هستند، دولتمردان تمام درآمد حاصل از رانت را به خود تخصیص خواهند داد. با محاسبه نسبت تغییر یافته S به n در معادله (۱۱) می‌توان تأثیر افزایش n در S را نشان داد. پس از مشتق‌گیری از معادله فوق نسبت به n و ساده کردن آن خواهیم داشت:

$$\frac{dS}{dn} = \frac{- [S \hat{B}'(S) + \hat{B}(S)]}{n^{\tau} [\hat{B}''(S)(y - v + S \frac{(n-1)}{n}) + \tau \hat{B}'(S) \frac{(n-1)}{n}]} \quad (21)$$

که اگر

$$\frac{-1}{\hat{B}''(S) [y - v + S \frac{(n-1)}{n}] + \tau \hat{B}'(S) \frac{(n-1)}{n}} = \lambda$$

معادله (۲۱) به معادله زیر تبدیل خواهد شد:

$$\frac{dS}{dn} = \frac{\lambda [S \hat{B}'(S) + \hat{B}(S)]}{n^{\tau}} \quad (22)$$

اما با استفاده از تعریف کشش تابع \hat{B} معادله (۲۲) به معادله زیر تبدیل می‌گردد:

$$\frac{dS}{dn} = \frac{\lambda B(S) U + E_{\beta,S}}{n^{\tau}} \quad (23)$$

از معادله ۲۲ مشخص است که مقدار λ مثبت است. در این حالت اگر تابع \hat{B} بدون کشش باشد علامت عبارت (۲۳) مثبت خواهد بود. یعنی با افزایش n مقدار S نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین با استفاده از روابط بالا نتیجه می‌گیریم که هر قدر شمار کسانی که در پی کسب رانت هستند افزایش یابد، کارگزاران سیاسی تمایل بیشتری به تولید رانت خواهند داشت.

تمرکز خریداران رانت، تولید رانت را کاهش می‌دهد اکنون این سؤال مطرح می‌شود که تحت چه شرایطی تعداد این افراد کاهش می‌یابد؟ در پاسخ باید گفت که تعداد این افراد بستگی به موانع ورود به بازار رانت جویی دارد. اگر بازار رانت جویی رقابتی باشد یعنی همه افراد بتوانند به بازار رانت وارد شوند تعداد افراد منتفع شونده زیاد خواهد بود و در نتیجه تولید رانت افزایش می‌یابد. در این حالت افراد از قدرت تأثیر گذاری ناچیزی بر روی کارگزار سیاسی برخوردار نخواهند بود و عایدی کارگزار از مقدار رانت افزایش خواهد یافت ، بنابراین انگیزه

بیشتری در تولید رانت خواهد داشت.

اما حالت دیگر این است که بازار رانت جویی غیر رقابتی باشد. در این حالت موانعی در راه ورود افراد به بازار رانت جویی وجود دارد و بازار به یکی از اشکال انحصار تبدیل می‌شود. هنگامی که ورود به بازار محدود شود، گروه‌های خریدار رانت سازمان یافته خواهند شد و وجود باندهای قوی رانت جویی باعث می‌شود، که بسیاری از افراد در ورود به بازار ناکام بمانند و در این حالت رانت جویی از مجاری خاصی صورت می‌گیرد. همچنین محدودیت در راه ورود به بازار و وجود باندهای قوی باعث می‌شود که قدرت چانه‌زنی گروه منتفع شده از رانت در برابر حاکم سیاسی افزایش یابد و در نتیجه مبلغی که به کارگزار تعلق می‌گیرد (یعنی R) کاهش یابد و کاهش این درآمد موجب می‌شود که کارگزار سیاسی تمایل کمتری به تولید رانت داشته باشد. اگر به عبارات فوق دقت کنیم نتیجه‌ی عجیبی حاصل می‌شود. معنای ضمنی این عبارات آن است که هر قدر رانت جویی در یک جامعه متمرکزتر و سازمان یافته‌تر باشد، میزان بهره‌گیری نظام سیاسی از رانت کمتر خواهد بود!

انقلاب و دگرگونی سیاسی تولید رانت را افزایش می‌دهد نتایج بحث فوق یکی از فرضیه‌های اساسی منکور اولسون (Mancar Olson) است. بر اساس فرضیه اولسون با سازمان یافتن گروه‌های ذی‌نفع، رانت جویی در جامعه کاهش خواهد یافت.

اولسون اعتقاد دارد که تحولات سیاسی منجر به متلاشی شدن گروه‌های ذی‌نفع می‌شود و در نتیجه تا تشکیل مجدد گروه‌های جدید و سازمان‌یابی مجدد، میزان رانت در جامعه افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر تحولات سیاسی باعث می‌شود که بازار خریداران رانت از حالت انحصار به رقابت تبدیل شود، و در نتیجه تولید رانت توسط کارگزاران سیاسی، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، افزایش می‌یابد. فرضیه‌های اولسون، توسط اقتصاد دانی بنام پرایور (Pryor) در کشورهای غربی مورد آزمون قرار گرفت و تا حد زیادی تأیید گردید. (۱۵) تجارب تاریخی نیز مؤید صحت این فرضیه است. در کشورهای غربی، گروه اشراف زمین‌دار که قاعدتاً جزء گروه‌های منتفع‌شونده بودند، تشکل و قدرت زیادی داشتند و حاکمان سیاسی در این کشورها، همواره ناچار به مصالحه با این قشر بودند. بنابراین قدرت چانه‌زنی حاکمان سیاسی در آن دیار، بسیار کمتر از کشورهایی همچون ایران (که فاقد سنت اشرافیت بوده است) بوده است بسیاری از تحلیل‌گران اقتصادی این پدیده را از عوامل اصلی فساد و رانت جویی دولتهای قبل از عصر پهلوی در ایران می‌دانند. (۱۶)

عوامل مؤثر بر هزینه‌نهایی رانت جویی یا واکنش گروه متضرر از رانت گروهی که از

تولید رانت زیان می‌برند، ثابت و از پیش تعیین شده نیستند. با هر سیاست دولتمردان، تعدادی از افراد جزء؛ متضررین و تعداد دیگر جزء منتفعین قرار خواهند گرفت. زمانی که منابع طبیعی کشور در عصر قاجاریه به حراج گذاشته می‌شد، تمامی افراد جزء گروه متضررین بودند و هنگامی که قوانین بازرگانی به نفع تجار خارجی وضع می‌شد، بازرگانان و صنعتگران داخلی، اصلی‌ترین گروهی بودند که زیان می‌بردند. در دهه پنجاه، روستاییان و نسل آینده قشر متضرر و اقشار شهری و فن سالاران و دیوانسالاران قشر منتفع از ایجاد رانت را تشکیل می‌دادند. بنابراین بر پیشانی هیچ گروه اجتماعی از پیش مهر منتفع شونده و یا زیان برنده حک نشده است و در هر مورد تولید رانت باید این دو گروه را مشخص ساخت.

واکنش گروه متضرر از رانت، به تصور و تلقی، میزان دانش و اطلاعات این گروه از رانت ایجاد شده و به سازماندهی، انسجام و قدرت آنان بستگی دارد. در رابطه با واکنش گروه متضرر، سه نکته مهم وجود دارد: اولاً امکان دارد که این گروه اساساً از رانتی که علیه آنها تولید شده است اطلاع حاصل نکنند. رانت‌هایی که معمولاً علیه روستاییان اعمال می‌شود از این گونه هستند. ثانیاً امکان دارد علی‌رغم اطلاع گروه متضرر، آنان ایجاد رانت را کاملاً عادلانه بدانند و از این رو واکنشی منفی از خود نشان ندهند و ثالثاً اگر گروه متضرر دارای اطلاع کافی باشد و تولید رانت را غیر عادلانه بدانند، واکنش آن گروه بستگی به قدرت، سازماندهی و انسجام آنان دارد. هر قدر گروه متضرر منسجم‌تر باشد، علاوه بر آنکه بهتر می‌تواند از رانت‌های توزیع شده اطلاع کسب نماید، دارای قدرت و واکنش بیشتری خواهد بود. بنابراین برای بررسی و واکنش گروه متضرر از رانت، باید به تحلیل نظام اطلاعات جامعه و شفافیت آن، تلقی و یا ایدئولوژی حاکم بر آن جامعه و بالاخره سازماندهی و قدرت گروه‌های متضرر پردازیم. به طور کلی می‌توان گفت که افزایش مردم سالاری، پذیرش فردگرایی فلسفی و قوت جامعه مدنی باعث کاهش قدرت حاکمان سیاسی در ایجاد رانت می‌شود. تحلیل این سه عامل مقاله مستقلی را می‌طلبد و در اینجا تنها به مسأله سازماندهی اشاره می‌کنیم.

گفتیم که هر قدر سازماندهی و قدرت گروه‌های متضرر قویتر باشد، واکنش آنها شدیدتر و در نتیجه قدرت حاکمان سیاسی در تولید رانت کمتر خواهد بود. بنابراین در جوامعی که گروه‌های متضرر منسجم‌تر و قدرتمندتر هستند نظام سیاسی توفیق کمتری در ایجاد رانت دارد. از طرف دیگر همان‌طور که ذکر شد گروه‌های متضرر و منتفع از زمانی به زمان دیگر متفاوتند. در نتیجه باید به بررسی قدرت سازماندهی و انسجام گروه‌های مختلف در یک جامعه پرداخت. به عبارت دیگر باید به این مسأله پردازیم که اساساً انسجام گروه‌های مختلف یک اجتماع به چه

عناصری بستگی دارد و تحت چه شرایطی قدرت سازماندهی گروههای بیرون از حاکمیت، شدت و ضعف می‌یابد. اصولاً هر قدر قدرت گروههای بیرون از نظام سیاسی (که اصطلاحاً به آن جامعه مدنی می‌گویند) بیشتر باشد قدرت دولت و حاکمان سیاسی در تولید رانت کمتر خواهد بود. اما در مورد قدرت گروههای مستقل از دولت و علت شدت و ضعف آن، اقتصاددانان تحقیقات چندانی انجام نداده‌اند. در این میان منکوراوولسون و آلبرت هیرشمن بیش از سایر اقتصاددانان به این مسأله پرداخته‌اند.^(۱۷) این دو اقتصاددان به عواملی توجه کرده‌اند که موجب افزایش قدرت و تأثیر گذاری یک گروه بر تصمیم‌گیریهای سیاسی می‌شود. مباحث آنان زمانی مفید خواهد بود که تحلیل ساختار قدرت در یک جامعه معین مورد نظر باشد، اما نظرات آنان فایده چندانی برای تحلیل کلی از علت ضعف گروههای مستقل از دولت نخواهد داشت.

خوشبختانه بر خلاف اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و عالمان علوم سیاسی، به این مسأله توجه کافی مبذول داشته‌اند. از میان عواملی که تا کنون توسط این اندیشمندان بیان شده است شیوه تولید (mode of production) بیش از سایر عوامل موجه به نظر می‌رسد. اصولاً شیوه تولید بر ساختار قدرت گروههای مستقل از دولت تأثیر تام دارد. با تغییر شیوه تولید، ساختار قدرت و روابط میان گروههای اجتماعی دگرگون می‌شود. مثلاً شیوه تولید فئودالی یا سرمایه‌داری را مقایسه کنید. در شیوه تولید فئودالی یک گروه به نام زمیندار دارای قدرت اقتصادی و اجتماعی مطلقه بوده و سایر گروههای اجتماعی فاقد قدرت مؤثر می‌باشند. اما در شیوه تولید سرمایه‌داری علاوه بر آنکه سرمایه‌داران دارای قدرت هستند کارگران و طبقه متوسط نیز به نوبه خود صاحب قدرت می‌باشند. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که در شیوه تولید سرمایه‌داری قدرت گروههای مستقل از دولت بیش از شیوه تولید فئودالی است.

به کمک درک رابطه شیوه تولید و قدرت گروههای مستقل از دولت می‌توان علت بالا بودن رانت جویی حاکمان سیاسی در کشورهای جهان سوم و یا افزایش رانت جویی در آغاز فرآیند توسعه را نشان داد. بسیاری از جامعه‌شناسان توسعه معتقدند که کشورهای در حال توسعه کنونی دچار تشتت شیوه تولید هستند. منظور از تشتت شیوه تولید آن است که در این دسته از کشورها چند شیوه تولید متعارض و متفاوت توأم وجود دارد. به عنوان مثال شیوه تولید سرمایه‌داری و فئودالی به طور همزمان در کنار هم وجود دارند. نمونه بارز این پدیده در کشور آرژانتین دیده می‌شود. بنابر بررسیهای موجود در این کشور شاهد شیوه‌های مختلف تولید از شیوه تولید شبانی تا شیوه تولید سرمایه‌داری هستیم. تعدد شیوه تولید یک جامعه باعث تشتت گروههای اقتصادی جامعه گشته و قدرت آنها را کاهش خواهد داد. در سیر تاریخی

کشورهای پیشرفته کنونی، با ظهور شیوه تولید جدید به تدریج شیوه تولید پیشین مضمحل گردید و در نتیجه ساختار گروه‌های اقتصادی نیز بتدریج متحول شده، اقشار جامعه سرمایه‌داری جایگزین اقشار جامعه فئودالی شدند. اما در کشورهای توسعه نیافته، از یک طرف شیوه‌های تولیدی ماقبل سرمایه‌داری وجود داشته و از طرف دیگر شیوه‌های تولید مدرن از کشورهای پیشرفته به آنها انتقال یافته است و همین امر موجب ایجاد دوگانگی شیوه تولید در این کشورها شده است. در این رابطه لازم به ذکر است که بحث دوگانگی تکنولوژی که توسط اقتصاددانان توسعه، شرح و بسط فراوان یافته در واقع بیانگر همین متعدد بودن شیوه تولید در کشورهای توسعه نیافته است.

به هر حال تعدد شیوه تولید اثر مهمی در ساختار قدرت دارد. بدین ترتیب که تعدد شیوه تولید، کثرت گروه‌های اقتصادی را بدنبال دارد که این امر باعث کاهش قدرت هر یک از گروه‌ها می‌گردد. زیرا از یک طرف تعداد اعضا و قدرت اقتصادی هر گروه کاهش خواهد یافت و از طرف دیگر به علت اینکه هر یک از گروه‌ها، جهت‌گیریهای مختلف سیاسی دارند و خواهان مجموعه قوانین و ترتیبات اجتماعی متفاوتی هستند، جهت‌گیریها و گرایشهای آنها متفاوت و متعارض خواهد بود. در این حالت، جنگ میان نیروها شدت خواهد گرفت و انسجام درونی نیروهای بیرون از نظام سیاسی کاهش خواهد یافت که این پدیده نتیجه‌ای بجز افزایش قدرت حاکمان سیاسی در هر گونه اعمال نظر در جامعه و از جمله توزیع رانت نخواهد داشت. آنتونی گیدنز معتقد است که تعدد شیوه تولید کشورهای در حال توسعه، باعث شده است که این کشورها به جای جوامع طبقاتی، به جوامع منقسم به طبقات (یعنی جوامع دارای طبقات کاملاً متفاوت) تبدیل شوند. او اعتقاد دارد در این حالت گروه‌های اقتصادی به جای فشار بر نظام سیاسی، در جهت وضع قوانین به نفع خود، به رقابت با یکدیگر خواهند پرداخت و سعی خواهند داشت به جای مبارزه با نظام سیاسی، از طریق قیومیت و تحت حمایت نظام سیاسی به دریافت امتیازات اقتصادی نایل شوند. در واقع، در این حالت با واگذاری یکسری امتیازات به نظام، رانت جوئی حاکمان سیاسی را تشویق خواهند کرد و در نتیجه تولید رانت در جامعه افزایش می‌یابد. در این حالت گروه‌های اقتصادی، موجودیت خود را در نزدیکی به حکومت می‌بینند. طبقه دولت، طبقه حاکم جامعه خواهد بود و به این ترتیب قدرت زیادی در تولید رانت خواهد داشت.



* بدین وسیله از دوست عزیزم آقای فرزین یزدانی که مرا در تهیه این مقاله یاری نمود قدردانی می‌کنم.

پاورقیها:

- (۱) منبع شماره ۸ - فصل ۱.
 (۲) برای بحث بیشتر در زمینه اهمیت و تأثیر رانت به منبع شماره (۴) و (۹) رجوع کنید.
 (۳) در کتاب تاریخ عقاید اقتصادی این نکته در اندیشه اقتصاددانان مختلف نشان داده شده است در جلد دوم این کتاب در فصلی تحت عنوان اجاره بها بحث مفصلی صورت گرفته است.
 (۴) نوشته‌های علم اقتصاد در این زمینه نسبتاً حجیم است. برای مروری به این مورد می‌توان به منابع (۹) و (۶) مراجعه کرد.

Kent Arrow (۵)

(۶) Douglas North برنده جایزه نوبل ۱۹۹۴.

(۷) با ذکر مثالهای بیشتر می‌توان حیطه گسترده عدم تقارن اطلاعات و رانت جویی از آن را بهتر نشان داد. بَنایی که به جای تعویض ناودان، تعمیر سقف و ایزوگام را پیشنهاد می‌کند؛ تعمیر کار آیفونی که به جای وصل سیم قطع شده، تعویض کل سیم‌کشی را تجویز می‌کند؛ معلمی که در سر کلاس کم کاری می‌کند و در آخر سال سؤالات را به دانش آموزان می‌دهد (عدم تقارن اطلاعات اولیاء و معلم)؛ محققى که در تحقیق سهل‌انگاری می‌کند و معادلات اقتصادسنجی جعلی می‌دهد؛ پزشکی که جراحی پلاستیک را غیر ضروری پیشنهاد می‌کند؛ تعمیر کار اتومبیلی که هزار عیب جعلی برای ماشین می‌تراشد و نمونه‌های ملموس رانت جویی هستند.

(۸) به کتب بسیاری که در این زمینه نگاشته شده رجوع شود. از پیشنهادکنندگان این نحله ویلیامسون است که خوشبختانه کتب او در ایران نیز یافت می‌شود. برای بحث مختصری در این زمینه رجوع کنید به منبع (۱۲).

(۹) منبع (۸) فصل (۶).

(۱۰) مطالب مذکور از امهات اندیشه نورث است و برای نمونه می‌توان به منبع (۱۰) رجوع کرد.

(۱۱) مأخذ (۱۱) صفحه ۱۰۴.

(۱۲) مأخذ (۷).

(۱۳) مأخذ (۱۱) صفحه ۹۲-۹۹.

(۱۴) چارچوب کلی این بحث از مأخذ (۵) اخذ شده است.

(۱۵) مأخذ (۸) فصل (۱۱).

(۱۶) برای اطلاع بیشتر به مأخذ (۱) و (۳) مراجعه شود.

(۱۷) مأخذ (۱۱) فصل سوم.

منابع و مأخذ:

- ۱- پیروز پویا . موانع توسعه در ایران «برخی عوامل تاریخی» اطلاعات سیاسی و اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۷۰.
- ۲- زید، شارل «تاریخ عقایدی اقتصادی» ترجمه دکتر کریم سنجایی، دانشگاه تهران.
- ۳- کازیروسکی، مارک «سیاست خارجی آمریکا و شاه» ترجمه فریدون فاطمی، چاپ اول، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۱.
- ۴- طبیبیان، محمد. رانت اقتصادی به عنوان یک مانع توسعه، فصلنامه برنامه و توسعه، دوره دوم شماره ۳ زمستان ۱۳۷۱.
- 5- Appelbaum, Eli and Katz, Eliakim (1987)
Seeking Rent By selling Rent: "The political Economy of Rent seeking".
Economic journal, vol, 94, No 9- pp: 685-699.
- 6- Ashoff, Guido (1989) " Rent seeking.
A new concept in the economic theory of politic and the debate on
development theory ". Economics vol 40, pp: 7-41.
- 7- Buchanan James M and Gordon Tallock (1962).
" The calculus of consent " Ann Arbor, MI, University of Michigan Press.
- 8- Colander, David (1989).
" Neoclassical Political Economoy" The analysis of Rent - Seeking and
Dup Activities " Ballinger Publishing company.
- 9- Murphy. Kevin, M. she lifer, Andrei and Vishny, Robert (1991) " The
allocation of Tallent: Implication for Growth " Quarterly journal of
Economics vol CVI, pp/503-530.
- 10- North - Douglass " Structure and change in Economic History " Norton
and company 1981.
- 11- Nabl, Mustaph. K and Nugent. jeffry B. (1989).
" The New institution Economics and Development " North Holland.
- 12- Williamson, O.E.W (1986) Economics Organization: Firms, Markets
and Policy control Brighton: wheatsheaf.